

اسلام خالص

تأليف:

عبد الله حيدري

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

آدرس ایمیل: book@aqeedeh.com

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

www.videofarsi.com

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۴
گفتار اول: اسلام و معنویت، نه پلورالیسم دینی.....	۷
نبرد حق و باطل.....	۱۰
گفتار دوم: ایمان و دعوت.....	۱۵
مسئولیت دعوت.....	۲۰
گفتار سوم: مناجات.....	۲۳

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

خواننده گرامی سلام، همچنان که می دانید خداوند متعال ما را جهت آزمایش به این جهان آورده است، تا اینکه آشکار کند چه کسی بهتر عمل می کند ﴿لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ [الملک: ۲].

«تا شما را بیازماید که کدام یک از شما نیکو کارتر است».

برای بهتر عمل کردن دو ضابطه یا دو شرط مهم وجود دارد. اول اینکه عمل خالص برای خدا باشد (لا اله الا الله) و دوم اینکه مطابق سنت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم باشد (محمد رسول الله).

پس برای آنکه هر عمل خالص برای خدا باشد دین را خالص بشناسیم و از هر گونه نقص و زیادت و شائبه پاکش بداریم. ﴿أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾ [الزمر: ۳].

«هان! تنها طاعت و عبادت خالصانه برای خدا است و بس. کسانی که جز خدا سرپرستان و یاوران دیگری را بر می گیرند (وبدانان تقرب و توسل می جویند، می گویند): ما آنان را پرستش نمی کنیم مگر بدان خاطر که ما را به خداوند نزدیک گردانند. خداوند روز قیامت میان ایشان (و مؤمنان) در باره چیزی که در آن اختلاف دارند داوری خواهد کرد. خداوند دروغگوی کفر پیشه را (به سوی حق) هدایت و رهنمود نمی کند (و او را با وجود کذب و کفر به درک و فهم حقیقت نائل نمی گرداند)».

پس باید اسلام را خالص بشناسیم و خالصانه و مخلصانه به آن عمل کنیم و هر پرستش و عبادتی را خالص برای ذات او انجام دهیم. خداوند متعال در جای دیگری می فرماید:

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ﴾ [البينة: ۵].

«در حالی که جز این بدیشان دستور داده نشده است که مخلصانه و حق‌گرایانه خدای را بپرستند».

پس قبل از اینکه مؤمن در فکر، اخلاص در عمل باشد باید اسلام را که مکتب کامل و دین برگزیده الهی است خالص بشناسد چه بسا انسان در عقیده‌اش مخلص است اما عقیده خراب با اخلاص ارزش پیدا نمی‌کند. هر فکر و اندیشه چه دینی و چه غیر دینی ممکن است به مرور زمان دچار انحراف شود، هر دین و مذهب و مکتبی ممکن است دچار تحریف گردد، البته این تحریف (بویژه در مورد ادیان الهی و بالأخص اسلام) به دلیل ناقص بودن دین نیست بلکه عوامل مختلفی می‌تواند باعث تحریف و انحراف در دین گردد، برنامه‌ریزی دشمنان، جهل پیروان، و کمبود مصلحان می‌تواند از عمده‌ترین عوامل ضعیف شدن دین و راه یافتن نقص و شائبه و پدید آمدن نوآوری‌ها در دین گردد، گاهی ممکن است این نوآوری‌ها که در اصطلاح شرعی به آن بدعت می‌گویند چنان رشد داشته باشد که انسان در میان انبوهی از خرافات و مزخرفات از یک سو و کمرنگ شدن اصول و معتقدات دینی از سوی دیگر نتواند حقیقت را باز شناسد و به اسلام خالص برسد پس اگر مصلحانی نباشند که باورهای دینی را فیلتر کنند و با دعوت و روشنگری اسلام خالص را که همانا قرآن و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم است به مردم عرضه کنند شاید خیلی از خرافات و مزخرفات که رنگ دین به خود گرفته و قرن‌ها به نام دین جلوه کرده و اینک به باور و یقین تبدیل شده را نتوان از دین جدا کرد و اسلام خالص و ناب را به جامعه بشناساند، پس به امید روزی که انشاءالله بتوانیم اسلام خالص را از ناخالص، و صادق را از کاذب و حقیقت را از خیال و نقاشی را از واقعیت بازشناسیم.

شایان ذکر است بدانیم که امروز متأسفانه همه اختلافات و چند دستگی و تفرقه که در میان امت اسلامی می‌بینیم علتش دوری از اسلام خالص و چنگ زدن به خرافات و

مزخرفات و مفاهیم تأویل و تحریف شده از قرآن و اسلام و تاریخ است. ان شاء الله که هر چه زودتر امت اسلامی بتواند با تفاهم و درک واقعیت‌ها به حقیقت دست یابد و با وحدت و اخوت و انسجام رشک آفرینش همچون گذشته باری دیگر سرور جهان و جهانیان گردد.

آمین

گفتار اول:

اسلام و معنویت، نه پلورالیسم دینی

خوشبختانه اسلام به عنوان یگانه مکتب توحیدی و آخرین و کامل‌ترین دین الهی در هر زمان و مکان قادر است پاسخ گوی همه مشکلات جامعه بشری در تمامی زمینه‌ها باشد، اسلام پس از یهودیت و مسیحیت آمد که خلاً موجود در آن ادیان که اولاً تحریف شده و سپس منسوخ شده الهی بود را پر کند لذا امروز جز اسلام هیچ مکتب توحیدی دیگری در جهان وجود ندارد، قابل توجه است که متأسفانه اندیشه انحرافی پلورالیسم دینی که اخیراً توسط روزه گارودی دانشمند تازه مسلمان فرانسوی و دکتر سروش در ایران عنوان گردید، گویا چنین وانمود می‌گردد که (چنانکه از اسم کتاب صراط‌های مستقیم آقای سروش پیداست و متأسفانه در متن کتاب این مسئله بسیار مفصل توضیح داده شده است)، راه رسیدن به حقیقت می‌تواند متعدد باشد. در حالی که خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَٰلِكُمْ وَصَنَعُكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ [الأنعام: ۱۵۳].

«این راه (که من برایتان ترسیم و بیان کردم) راه مستقیم من است (و منتهی به سعادت هر دو جهان می‌گردد. پس) از آن پیروی کنید و از راه‌های (باطلی که شما را از آن نهی کرده‌ام) پیروی نکنید که شما را از راه خدا (منحرف و) پراکنده می‌سازد. این‌ها چیزهای است که خداوند شما را بدان توصیه می‌کند تا پرهیزگار شوید (و از مخالفت با آن‌ها پرهیزید)».

اما برداشت حامیان پلورالیسم دینی عکس این آیه کریمه و آیات دیگر قرآن کریم است. و گویا بنا بر فهم آنان منظور از اسلام هم تسلیم شدن در برابر الله است، لذا هرگز شرط نیست که طرف داخل دائرة اسلام باشد. هر گبر و هندو و یهودی و مسیحی که خوب!! عمل کند بهشتی است. لذا همه مخترعان و دانشمندان و نوآوران و زحمت کشان که در هر مکتب و دین و آئینی که بدون در نظر داشت شروط مسلمانی فقط طبق فهم و روش خودشان تسلیم خدا باشند مسلمانند و بهشتی!؛ در این صورت دیگر ضرر کسانی

کرده اند که خودشان را گرفتار نعوذ بالله کارهای اضافی کردند، نماز و روزه و حج و زکات و جهاد و غیره، همه این مفاهیم ثمره خاصی ندارد!!

خیر، عزیزان اینطور نیست بقول سعدی شیرازی رحمه الله علیه:

شب گور خواهی منور چو روز از اینجا چراغ عمل بر فروز
تن کار کن می بلرزد ز تب مبادا که نخلش نیارد رطب
گروهی فراوان طمع، ظن برند که گندم نیفشانده، خرمن برند
به همین سادگی اگر کار تمام می شد، مگر بیش از یک میلیارد مسلمان جهان دیوانه بودند که تمام زندگی شان را در گرو دستورات بیست و چهار ساعته دینی بگذارند و تمام عمرشان را صرف کارهایی کنند که نتیجه آن مفت بدست می آید؟! شاید بعضی ها قصد و غرضی هم نداشته باشند اما این گونه اندیشیدن در واقع همه دین را مسخره گرفتن است. خیلی جای شگفتی است که بعضی ها راحت و آسوده می گویند: ادیسون هم چونکه برق را اختراع کرده و به جامعه بشری خدمتی شایان انجام داده لذا مسلمان و جایش بهشت است!!!، به به، مگر بهشت و دوزخ بر چه اساسی توزیع می شود! اگر چنین بود قبل از ادیسون کسانی دیگر خیلی بهتر و مخلص تر از او عمل می کردند آری در کنار خانه کعبه به زائران خانه خدا آب می دادند و مسجد آباد می کردند. اما خداوند در همان اولین روزهای دعوت اسلامی حساب آن ها را تصفیه کرد و خاطرشان را جمع نمود، ﴿أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ [التوبة: ۱۹]

«آیا شما (رتبه سقایت و) آب دادن به حجاج خانه خدا و آباد کردن مسجدالحرام را مانند عمل کسی قرار می دهید که به خدا و روز آخرت ایمان آورده است، و در راه خدا جهاد کرده است (هرگز منزلت آنان یکسان نیست و) در نزد خدا برابر نمی باشند، و خداوند مردمانی را که (به خویشتن به وسیله کفر ورزیدن، و به دیگران بوسیله اذیت و آزار آنان) ستم می کنند (به راه خیر و صلاح دنیوی و سعادت اخروی) رهنمود نمی سازد».

اگر نگاه کوتاهی به قرآن بيفکنیم درمی‌یابیم که خیر، خداوند از بندگانش خواسته است که تسلیم شوند اما برای شناساندن راه پذیرش اسلام و رسیدن به بهشت جاویدانی که مکرراً قرآن آن را تکرار می‌کند: ﴿خَلْدَيْنَ فِيهَا أَبَدًا﴾ [التغابن: ۹]. پیامبرانی فرستاده است تا راه هدایت را از ضلالت تشخیص داده و به مردم باز گویند، پس: نا برده رنج، گنج میسر نمی‌شود. مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد لذا هدف آفرینش انسان چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: پرستش خداوند است و بس.

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [الذاریات: ۵۶].

«من پری‌ها و انسان‌ها را جز برای پرستش خود نیافریده‌ام».

آن هم نه خود سرانه و بدون کنترل بلکه دقیق و حساب شده، چون این مرحله امتحان است. ﴿الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ﴾ [الملک: ۲].

«همان کسی که مرگ و زندگی را پدید آورده است تا شما را بیازماید کدام‌تان کارتان بهتر و نیکوتر خواهد بود. او چیره و توانا. و آمرزگار بخشاینده است».

اصلاً هدف از خلقت، امتحان پس دادن است، مرگ و زندگی برای همین آفریده شده، اصولاً فلسفه زندگی همین است که خداوند آشکار کند چه کسی بهتر عمل می‌کند و منظور از عمل در اینجا اختراعات مادی نیست، رسیدن به کره ماه و مریخ و عمق اقیانوس‌ها و اوج کهکشان‌ها و اختراع برق و اتم و کامپیوتر و اینترنت نیست، بلکه هدف از عمل کردن، زندگی ۲۴ ساعته را مهار کردن است. یعنی لجام زندگی را، لجام نفس اماره را، لجام خواهشات نفسانی را بدست نیروی ایمان و تقوا سپردن، از اول صبح تا آخر شب، خود را به تاج ایمان مزین و به زنجیر تقوا مقید کردن است، و در یک جمله مانند انسان زندگی کردن، چون زندگی بدون ایمان و اسلام و تقوی زندگی انسانی نیست. بلکه زندگی حیوانی است، هر چند که طرف مخترع و مکتشف و دانشمند باشد،

چون کسی که قدر نعمت را نشناسد و به صاحب نعمت (که در اینجا پروردگار است) احترام نگذارد، چگونه می‌توان انسانش نامید، هر چند که دکتر و پرفسور هم باشد.

﴿مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِّ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ (۱۷۸) وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَأَلَا نَعْلَمَ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ ﴿۱۷۹﴾ [الأعراف: ۱۷۸-۱۷۹].

«هر که را خداوند (به راه حق) هدایت کند، حقیقتاً او راه یافته (وبه سعادت دو جهان رسیده) است، و هر که را (به سبب سیطره هوی و هوسش، از این توفیق محروم و از راه حق) گمراه کند، زیانکار ایشانند * ما بسیاری از جنیان و آدمیان را آفریده و (در جهان) پراکنده کرده‌ایم که مآل آنان دوزخ و اقامت در آن است. (این بدان خاطر است که) آنان دل‌هایی دارند که بدان‌ها (آیات رهنمون به کمالات را) نمی‌فهمند، و چشم‌هایی دارند که بدان‌ها (مواعظ و اندرزهای زندگی ساز را) نمی‌شنوند. اینان (چون از این اعضاء چنانکه باید سود نمی‌جویند و منافع و مضار خود را از هم تشخیص نمی‌دهند) همسان چهارپایانند و بلکه اینان گمراه‌ترند (چرا که چهارپایان از سنن فطرت پا فراتر نمی‌گذارند، ولی اینان راه افراط و تفریط می‌پویند). اینان واقعا بی‌خبر (از صلاح دنیا و آخرت خود) هستند».

نبرد حق و باطل

کشمکش زندگی مادی با زندگی معنوی در طول تاریخ ادامه داشته است، به ظاهر مادیت همیشه غالب و پیروز می‌نموده است اما در واقع پیروزی و سر بلندی دائم از آن معنویت است قرآن کریم علاوه بر آنکه معجزه و کتاب هدایت است، بزرگ‌ترین آرشیو تاریخ هم هست، با نگاهی کوتاه به این کلام الهی در می‌یابیم که مادیت همواره آشفته و لجام گسیخته به شوق پیروزی برق آسا پیش می‌رود تا بدانجا که پیروان معنویت ظاهراً دچار شکست می‌شوند اما در یک چشم بهم زدن طغیان زندگی مادی فرو می‌نشیند و حقیقت و معنویت در میان حیرت همگان پیروزی‌اش را به آرامی جشن می‌گیرد. کشمکش رهبر قدرت و مادیت، نمرود سرکش را با الگوی معنویت ابراهیم بت‌شکن

ملاحظه کنید، چقدر آموزنده و جالب است، کشمکش فرعون سرکش مدعی خدایی را با موسی کلیم الله ملاحظه کنید، که از آغاز تولد تا اوج دعوت چگونه صحنه ترسیم می شود و الله قادر و برتر چگونه موسی را در برابر دشمن انسانیت و معنویت سربلند و پیروز می گرداند، و جالب تر از همه الگوی ایمان و تقوی محمد مصطفی صلی الله علیه و آله را ملاحظه کنید، که دشمنان کینه توز چگونه از هیچ نوع جنایت و خیانتی فرو گذار نمی کردند و همواره سعی داشتند که حتی نگذارند شمع معنویت بر حجره کوچک آن رسول بزرگوار صلی الله علیه و آله بتابد و صد نفر شمشیر بدست خانه حضرت را محاصره کردند تا مانع گسترش نور توحید شوند اما خداوند قادر و توانا به آنان نشان داد که همیشه مادیت پیروز نمی شود بلکه اگر خدا بخواهد ناممکن است که در مقابل معنویت، ساز و برگ مادیت به پیروزی رسد. لذا صد شمشیر برهنه با دویست چشم خیره نتوانست مانع خروج پیامبر رحمت و هدایت صلی الله علیه و آله از محاصره دشمنان شود. داستان تمام نشد. به عاشقان و شیفتگان مادیت مهلت داده شد تا با مال و قدرت، دو نفر دست خالی را دستگیر کنند، جایزه تعیین می شود، شیفته جایزه ظاهراً به هدفش نزدیک می شود اما به مرادش نمی رسد، پاهای اسبش در دامنه کوه، آری در میان سنگ ها به زمین فرو می رود الله اکبر! این چه صحنه است جلوتر برویم، تمام اهل مکه بسیج شده اند و برای دستگیری دو نفر دست خالی به در غاری رسیدند که آنان از فرط خستگی در آن آرمیده اند، رد یابشان می گوید تا اینجا آمده اند، کجا رفته اند، نمی دانم. یار غار رسول الله صلی الله علیه و آله می گوید: اگر آنان پشت پایشان را نگاه می کردند ما را می دیدند، اما عنکبوت و کبوتر که مشغول نگهبانی بودند خیال آن ها را راحت کرده بودند، و مقیاس مادی می گفت دیگر امکان ندارد که اینجا انسان رسیده باشد و إلا باید این نگهبانان هم اینجا نمی بودند ولی خیر.

اگر معبود من آنست که من می دانم شیشه را در بغل سنگ نگه می دارد خداوند که آفریدگار مادیت و معنویت است اینجا هم ثابت کرد که عقل عاقل و فکر متفکر و اندیشه اندیشمند، و حس درک و فهم و باور انسان هرگز در اختیار خودش

نیست و إلا نباید در جهان دیوانه وجود می داشت، همچنانکه مرگ و زندگی و خواب و بیداری انسان در اختیار خودش نیست عقل و هوش و حواس و فهم و درک و سایر داشته های انسان هم در اختیار خودش نیست، این همه فقط لطف و رحمت الله است که هر گاه بخواهد هرکس را هر جوری که رضای او در آن باشد می چرخاند، خواص همه چیزها فقط در اختیار اوست این اراده اوست که به آتش قدرت سوزاندن، به آب قدرت غرق کردن، به کارد قدرت بریدن می دهد و الا باید آتش نمرود ابراهیم علیه السلام را می سوزاند و دریای نیل موسی علیه السلام را غرق می کرد و کارد ابراهیم گلوی اسماعیل را می برید و چشمان مشرکین قریش رسول الله ﷺ را در هنگام خروج از خانه می دیدند و اسب سراقه باید در دامنه کوه به زمین فرو نمی رفت و پناهندگان غار ثور باید به دست دشمن می افتادند ولی خیر چنین نیست ﴿وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ [التکویر: ۲۹].

«و شما با خواست خود نمی توانید چیزی تحقق بخشید مگر آنکه پروردگار جهانیان بخواهد».

﴿قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ [التوبه: ۵۱].

«بگو: هرگز چیزی (از خیر و شر) به ما نمی رسد، مگر چیزی که خداوند برای ما مقدر کرده باشد. (این است که نه در برابر خیر مغرور می شویم و نه در برابر شر به جزع و فزع می پردازیم بلکه کار خود را به خدا می سپاریم)، و او مولی و سر پرست ماست، و مؤمنان باید تنها به خدا توکل کنند و بس».

آری، مادیت طغیان می کند، نهیب می زند ترس و رعب حاکم می کند و ظاهراً اهل ایمان و معنویت را در چنگ خود می گیرد اما معنویت همچون عصای موسی علیه السلام با کمال آرامش بساط مادیگری را در هم می چیند و مادیگران اگر مخلص باشند مانند ساحران سر به سجده می افتند و الا مانند فرعون و فرعونیان شروع به تهمت و دروغ و

افترا می‌کنند:

﴿إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَّكْرْتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا ۖ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿١٢٣﴾﴾
[الأعراف: ۱۲۳].

«حتماً این توطئه است که درین شهر چیده‌اید تا اهل آن را از آنجا بیرون کنید: ولی خواهید دانست (که چه شکنجه در برابر این رفتارتان خواهید چشید)».

نتیجه و کشمکش مشرکان و منافقان و یهودیان و مسیحیان و مجوسیان با رسول الله ﷺ را هم دیدیم که چه شد. با این که مخالفان و مادیگران از پنج مکتب بزرگ انحرافی بودند، و تمام جهان را در تسخیر خود داشتند اما سرانجام پیک معنویت با دست خالی و با سلاح ایمان بر همه جهان پیروز شد و نه تنها به ناامیدان امید بخشید، بلکه دشمنانش را به طور غیرمنتظره عفو کرد و نشان داد که واقعا رسالت معنوی دارد و داغ انتقام بر پیشانی‌اش زیبا نیست.

همه این مقدمه طولانی برای این بود که بگوییم متأسفانه امروز مادیگری و ماده پرستان طغیان کرده‌اند و چنان نعره شادمانی سر می‌دهند که بسیاری از مؤمنان ساده و ضعیف‌الایمان از جو و فضای مادی آنان متأثر شده‌اند و نعوذ بالله در بعضی از اصول اعتقادی‌شان مشکوک شده‌اند، و از طرح بعضی پرسش‌ها بر می‌آید که واقعاً به شک و تردید افتاده‌اند! عجب! چقدر خطرناک است که انسان لجام اعتقادات خودش را بدست کسانی بسپارد که خود فقیر و بیچاره‌اند، به والله بی‌چاره است کسی که در باره اسلام شک می‌کند، در باره پیامبر شک می‌کند، در باره قرآن شک می‌کند، ما به همه اندیشمندان و پژوهشگران احترام می‌گذاریم اما متأسفانه باید به عرض برسانیم که وحی و قرآن را تجربه نبوی نامیدن بسیار خطرناک است. شاید خود اندیشمند آنقدر قوی باشد که بتواند خودش را کنترل کند و به کفر و الحاد کشیده نشود. اما متأسفانه نتیجه حتمی طرح اینگونه اشکالات در یک جامعه اسلامی چیزی جز هموار کردن راه برای الحاد نیست، بنده شخصاً به کسانی بر خوردم که بدون آنکه بدانند کافر شده است، یک هفته کامل

وقت گذاشتم تا به مشکل توانستم به آقایی که مدعی است اسلام را از فلان اسلام شناس آموخته است تفهیم کنم که قرآن کلام الهی است و نبوت یک منصب الهی است، می‌گفت: از کجا بدانم که محمد فرستاده خدا و قرآن کلام خدا است، با این آقا من مشکل اساسی دارم اول یا باید اسلام را بپذیرد یا رد کند تا اینکه تکلیف من مشخص شود کسی که نه کافر است نه مسلمان چگونه می‌توان از اسلام با او صحبت کرد.

ما هرگز کسی را مجبور نمی‌کنیم که به زور اسلام را بپذیرد اما اگر پذیرفت باید شرایطش را هم بپذیرد، اخیراً تعدادی جاهل توسط یک پیر جاهل تر از مریدانش که خواندن و نوشتن بلد نیست پیدا شده‌اند که نماز نمی‌خوانند و مدعی‌اند که منظور از نماز در قرآن کریم ذکر است، و بدون استثناء تمام فریب خوردگانی که با این پیر گمراه سر و کار دارند سوادشان زیر صفر است، حالا چطور به این جاهل می‌توان تفهیم کرد. که یکی از مهم‌ترین ارکان اسلام نماز و فرق بین کافر و مسلمان نماز است، البته در باره این افراد نباید عجله کرد چون فرصتی مهیا نشده که کسی با آن‌ها صحبت کند و حقیقت را تفهیم کند، این‌ها انشاء الله بر می‌گردند، چون خدای نکرده اگر بر نگردند و اسلام را چنانکه قرآن و پیامبر ﷺ معرفی کرده‌اند، قبول نکنند آخرت شان بر باد خواهد رفت، منظور ما در اینجا ذکر یک مثال بود. از نظر نتیجه فرقی بین این جاهلان و آن تحصیل کرده که نمی‌تواند بپذیرد قرآن کلام خداست، وجود ندارد. پس باید اسلام را به طور کامل بپذیریم.

﴿ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَآفَّةً﴾ [البقرة: ۲۰۸].

«همگی اسلام را به تمام و کمال بپذیرید».

گفتار دوم: ایمان و دعوت

سروران عزیز ضمن آرزوی توفیق و سلامتی برای شما در این گفتار کوتاه با اختصار شدید در بارهٔ ارکان ایمان سخن خواهیم گفت و در پایان به مسئولیت امت در قبال دعوتِ اِلی الله اشاره خواهیم کرد. همه می‌دانند که ایمان به خدا و فرشتگان و کتاب‌ها و پیامبران و روز رستاخیز و زنده شدن بعد از مرگ و تقدیر ارکان مهم ایمان است. «آمنت بالله وملائکته وکتابه ورسله والیوم الآخر والقدر خیره وشره، من الله تعالی والبعث بعد الموت»^(۱). در اینجا فقط اشاره کوتاه به هر یک از ارکان مذکور خواهیم داشت.

آمنت بالله: ایمان به ذات اقدس الهی پایه و اساس زندگی هر دو جهان است، باور داشتن به ذات یگانه او انسان را از جهان بی‌معنا به جهانی پر از معنا وارد می‌کند، انسان را از سر در گمی خارج می‌کند، و به محوری وصل می‌کند که بنده مؤمن با پشتوانه این محور از هیچ قدرت این جهان نمی‌ترسد لذا وقتی می‌گوید الله اکبر یعنی خدای بزرگ و برتر من از همه آنچه در این جهان وجود دارد به اعتبار قدرت و اختیار بزرگ‌تر و قوی‌تر است اینجاست که مؤمن با غرور کامل در عین اینکه در برابر پروردگارش کوچک و خاضع و متواضع است در برابر هر چیز دیگری آزاد و مستقل و تواناست.

موحد چو در پای‌ریزی زرش چو شمشیر هندی نهی بر سرش
که بیم و حراسش نباشد زکس بر این است بنیاد توحید و بس

وملائکته: ایمان به فرشتگان یکی دیگر از پایه‌های ایمان است، مشرکین مکه معتقد بودند فرشتگان نعوذ بالله دختران خدایند، که خداوند این ادعا را رد کرد، پس آنان مخلوقات نورانی هستند که جز عبادت خداوند و فرمانبرداری از دستورات او تعالی کار دیگری ندارند، هرگز از دستورات او سرپیچی نمی‌کنند، نقطه دیگری که در باره فرشتگان

۱- برای تفصیل بیشتر به کتاب ارکان ایمان ترجمه نویسنده مراجعه فرمایید.

باید دانست این است که گر چه خداوند کارهایی را به آنان محول کرده اما به هیچ عنوان نیازی به آنان ندارد خداوند قادر مطلق و از همه چیز و همه کس بی نیاز است این حکمت و تدبیر و اراده و اداره خداوند است که باران را به یکی سپرده، مرگ را به دیگری و باد را به دیگری و همچنین، خداوند به هیچ کدام این فرشتگان نیازی ندارد. هر چه بخواهد بدون اسباب و واسطه، وسیله و معاون و غیره انجام می دهد فقط اراده او سبب وجود است، ﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ [یس: ۸۲].

«هر گاه خدا چیزی را بخواهد که بشود، کار او تنها این است که خطاب بدان بگوید: بشو! پس آن می شود».

و کتبه: یکی دیگر از پایه های ایمان، ایمان و باور داشتن به کتاب های آسمانی است، همه کتاب های آسمانی که خداوند از آغاز آفرینش بر پیامبرش علیه السلام نازل کرده به همه آنها باور داشتن و همه را از سوی خدا دانستن و کلام خدا دانستن یکی از پایه های مهم ایمان است. گر چه عملاً با نزول قرآن کریم خداوند همه کتاب های آسمانی را منسوخ نمود و امروز در سراسر جهان جز قرآن کریم هیچ کتاب آسمانی دیگری نیست که قابل اعتماد و عمل باشد. تنها کتابی که باید تمام انسان ها تا قیامت بدان عمل کنند قرآن کریم است. و این فقط قرآن کریم است که افتخار بزرگ حفاظت الهی نصیب او شده است، تمام کتاب های آسمانی دیگر دستخوش تحریف شده، بجز قرآن کریم که خداوند فرمود:

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ [الحجر: ۹].

«ما خود قرآن را فرستاده ایم و خود پاسدار آن می باشیم».

ورسله: ایمان به پیامبران هم تقریباً شبیه ایمان به کتاب های آسمانی است، با این تفصیل که ما مکلفیم به طور مجمل به همه پیامبران الهی ایمان داشته باشیم اما عملاً شریعت هیچ کدام آنان برای ما قابل عمل نیست. تنها پیامبری که شریعتش را مفصل شناختن و از آن پیروی کردن بر ما واجب است، شریعت محمدی یعنی شریعت خاتم

انبیاء حضرت محمد مصطفی ﷺ است، تنها این شریعت است که افتخار بقاء و استمرار تا قیام قیامت را دارد تمام شرایع دیگر با آمدن شریعت محمدی منسوخ شده است. لذا امروز اگر یک یهودی یا مسیحی صد سال عمر کند و تمام این سال‌های عمرش را فقط به پرستش خداوند طبق شریعت حضرت موسی یا عیسی علیهما السلام بگذارد، هرگز از او پذیرفته نخواهد شد. شریعت موسی و عیسی در زمان خودشان مقبول بوده است. امروز کلمه اخلاص دو جزء دارد، لا إله إلا الله محمد رسول الله جزء اول توحید و جزء دوم رسالت است. عمل هیچ عمل کننده قبول نخواهد شد تا اینکه محمد رسول الله را نپذیرد یعنی عملش مطابق سنت و روش محمد ﷺ نباشد. اینجاست که عقل پرستان در محمصه گیر می‌کنند و به زور می‌خواهند بقبولانند که گبر و کلیمی و زرتشتی همه مسلمانند!! خیر، خاطرتان جمع باشد. همانطور که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید:

﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾ [آل عمران: ۱۹].

«بی‌گمان دین حق و پسندیده در پیشگاه خدا اسلام است».

﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَسِرِينَ﴾ [آل عمران: ۸۵].

«وکسی که غیر از (آئین شریعت) اسلام، آئینی بر گزیند، از او پذیرفته نمی‌شود، و او در آخرت از زیان کاران خواهد بود».

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [المائدة: ۳].

«امروز دین شما را برایتان کامل کردم و نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را بعنوان آئین خدا پسند برای شما برگزیده‌ام. اما کسی که در حال گرسنگی ناچار شود (از محرّمات سابق چیزی بخورد تا هلاک نشود) و متمایل به گناه نباشد (وعمداً نخواهد چنین کند، مانعی ندارد) چرا که خداوند بخشنده مهربان است».

و در حدیث چنین می‌خوانیم: «رضیت بالله رباً وبالاسلام دیناً وبمحمد صلی الله علیه

وسلم نبياً ورسولاً^(۱).

«به پروردگار الله، وبه دین بودن اسلام و به نبی و رسول بودن محمد صلی الله علیه وآله وسلم راضی شدم».

والیوم الآخر: ایمان به روز آخرت یا رستاخیز یکی از پیچیده‌ترین مسائل اعتقادی بود که مشرکین مکه همواره با پیامبر ﷺ در باره آن بگو مگو داشتند. زیرا ایمان به روز آخرت با تمام جزئیاتش در پرده غیب پنهان است که برای پذیرش و باور داشتن به آن جز ایمان هیچ نیروی دیگری نمی‌تواند راهنمای انسان باشد. گرچه قرآن کریم در پاسخ معترضان دلائل عقلی اقامه کرده است ولی چون مانند بقیه ارکان ایمان نماد روشنی از آن در دست نیست لذا شیطان بیشتر می‌تواند تشکیک کند. خداوند مثال بسیار جالبی در قرآن بیان کرد. وقتی که زمین خشک ناگاه بر اثر باران تازه می‌شود و گیاهان خشک سر بر می‌آورند، پس طبیعی است که انسان‌های مرده و استخوان‌های پوسیده هم دوباره زنده شوند. همچنین خداوند دلیل محکم دیگری ارائه داد که وقتی ذات قادر و متعال بدون نقشه قبلی می‌تواند بسازد، پس از روی نقشه آماده که ساختن خیلی آسان‌تر است. پس ایمان به روز آخرت یا رستاخیز با همه جزئیاتش از مهم‌ترین ارکان ایمان است.

والقدر خیره و شره من الله تعالی: تقدیر یا قضاء و قدر چنان مهم است که اگر انسان از ته دل آن را بپذیرد در واقع آرامش دائم را برای خودش خریده است، چون همه نابسامانی‌ها و نگرانی‌های درونی انسان نتیجه دغدغه و غم و غصه‌های فراوانی است که انسان بر اثر گله و شکایت از حوادث روزگار می‌کند. هر چه دغدغه‌اش بیشتر شود افسردگی و نگرانی‌اش افزایش می‌یابد. ایمان به قضاء و قدر این است که انسان مؤمن باور و یقین داشته باشد که هر خیر و شری که در خم و پیچ زندگی به او می‌رسد، چیزی جز تقدیر الهی نیست. یعنی اینکه ذات قادر و متعال سوژه مفصل این جهان با تمام

۱- ابو داود: ۴/۱۸، ترمذی: ۵/۶۶۵، احمد: ۴/۳۳۷.

جزئیاتش را تصویر کرده و در لوح محفوظ بایگانی نموده است نه اینکه خدای نکرده پیشاپیش کسی را مجبور کند که باید چنین و چنان کنی. بلکه با علم ازلی خودش می‌دانست که فلان انسان با این مقدار امکانات در فلان تاریخ با اختیار خودش این کار خوب یا بد را انجام خواهد داد. پس به عنوان ذات عالم و آگاه بر خفایای امور فقط خبر آن حادثه یا حوادث خوب یا بد را ثبت کرده است. چون خداوند نعوذ بالله ظالم نیست.

﴿وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ﴾ [فصلت: ۴۶].

«وپروردگار تو کمترین ستمی به بندگان نمی‌کند».

لذا می‌فرماید: ﴿وَهَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ﴾ [البلد: ۱۰].

«و او را به دو راه (خیر و شر) راهنمایی کردیم».

و در آیه دیگری می‌فرماید:

﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾ [الإنسان: ۳].

«ما راه بدو نموده‌ایم، چه او سپاس‌گذار باشد یا ناسپاس».

بنابر این خداوند راه هدایت و ضلالت را مشخص کرده و هرکس را مختار گذاشته است که به هر راهی می‌خواهد برود. حتی پذیرش راه هدایت به هیچ عنوان اجباری نیست.

﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾ [البقرة: ۲۵۶].

«اجبار و اکراهی در دین نیست».

پس خداوند برای بیان راه سعادت و شقاوت، پیامبران علیهم السلام را فرستاده است.

﴿وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا﴾ [الإسراء: ۱۵].

«و ما (هیچ شخص و قومی را) مجازات نخواهیم کرد، مگر پس از اینکه پیغمبری (برای هدایت آنان مبعوث) کنیم».

پس رسول و پیامبر و کتاب و دعوتگر بخاطر آن است که حجت بر مردم تمام شود. بنابر این پس از اتمام حجت و بیان راه هدایت و ضلالت اگر کسی راه حق را نپذیرد و خودش و خانواده‌اش را از دوزخ نرهاند، مقصر خودش است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾ [التحریم: ۶].

«ای مومنان! خود و خانواده خویش را از آتش دوزخ بر کنار دارید».

مسئولیت دعوت

هر انسان مؤمن پس از ایمان مکلف است که خودش و خانواده‌اش و سپس سایر انسان‌ها را از عذاب جهنم برهاند.

﴿لِنُنْذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا﴾ [الشوری: ۷].

«تا اهل مکه و دور بر آن را بترسانی».

پیامبرمان ﷺ پیامبر رحمت و هدایت است، چون پیامبر برای نجات بشر آمده و پس از ایشان پیامبر دیگری نخواهد آمد. پس مسئولیت تبلیغ و بیان حق و حقیقت و نجات انسان‌ها از بدبختی و ضلالت مسئولیت این امت است.

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ ءَامَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ [آل عمران: ۱۱۰].

«شما (ای پیروان محمد) بهترین امتی هستید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اید (مادام که) امر به معروف و نهی از منکر می‌نمائید و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب ایمان بیاورند، برای ایشان بهتر است، بعضی از آنان با ایمانند و بیشتر ایشان فاسق هستند».

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [آل عمران: ۱۰۴].

«باید از میان شما گروهی باشند که دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آنان خود رستگار اند».

پس هر انسان مؤمن باید خودش را مسئول نجات انسان‌های دیگر بداند. در حدیث صحیح که نعمان بن بشیر رضی الله عنه آن را روایت می‌کند پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام را به یک کشتی تشبیه می‌کنند.

«مثل القائم في حدود الله والواقع فيها كمثل قوم استهموا على سفينة فصار بعضهم أعلاها وبعضهم أسفلها فكان الذي في أسفلها إذا استقوا من الماء مروا على من فوقهم فقالوا: إنا خرقتنا في نصيبنا خرقتاً ولم نؤذ من فوقنا. فإن تركوهم وما أرادوا، هلكوا جميعاً وإن أخذوا على أيديهم نجوا ونجوا جميعاً»^(۱).

رسول اکرم ﷺ فرمودند: «مثال کسی که حدود و قوانین الله را رعایت می‌کند و مثال کسی که رعایت نمی‌کند. مانند آن گروهی است که سوار بر کشتی‌اند و از طریق قرعه کشتی بعضی‌ها در طبقه بالا و بعضی‌ها در طبقه پایین قرار گرفته‌اند. آن‌هایی که در طبقه پایین هستند هر گاه نیاز به آب پیدا می‌کنند به طبقه بالا می‌روند و از آنجا آب بر می‌دارند. آنگاه با هم مشورت می‌کنند که رفتن مکرر به طبقه بالا باعث زحمت برای مسافران آنجا است. لذا ما در طبقه خود در کشتی، سوراخی ایجاد کنیم و از دریا آب برداریم. چنانچه مسافران طبقه بالا، مسافران طبقه پایین را از این عمل باز ندارند و بگویند ما با آن‌ها کاری نداریم، در نتیجه، کشتی غرق می‌شود و تمام سر نشینان آن هلاک و نابود می‌شوند. ولی اگر آن‌ها جلوگیری کنند، هر دو گروه نجات می‌یابند».

«نضر الله امرءاً سمع مقالتي فوعاها ثم أداها كما سمع»^(۲).

«خداوند سر سبز و شاداب گرداند شخصی را که سخن مرا بشنود آنگاه آن را حفظ کند و سپس همچنان که شنیده آن را به دیگران برساند».

﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾

[فصلت: ۳۳].

«گفتار چه کسی بهتر از گفتار کسی است که مردمان را به سوی خدا می‌خواند و کارهای شایسته می‌کند و اعلام می‌دارد که من از زمره مسلمانان هستم».

۱- صحیح بخاری و مسند امام احمد و سنن ترمذی این حدیث را روایت کرده‌اند.

۲- سنن ابو داود.

پیامبر ﷺ به علی بن ابی طالب فرمودند: «لئن يهدي الله بك رجلاً واحداً خير لك من
 حمر النعم»^(۱).

«اگر خداوند بوسیله تو یک نفر را هدایت کند برای تو بهتر از تمام شتران سرخ است».
 با آرزوی اینکه بتوانیم بار سنگین دعوت را تحمل کنیم و آن را به بهترین وجه به
 انسان‌های سراسر دنیا برسانیم. خوشا به حال کسانی که درک می‌کنند صفای توحید و نور
 رسالت و شهادت صحابه و لطف و صمیمیت اهل بیت را، و خوشا به حال
 کسانی که اسلام را خالص از هر شائبه و پاک از هر آلایش می‌آموزند و می‌آموزانند.

گفتار سوم:

مناجات

به نام یگانه معبود حقیقی هستی که هیچ عبادت و پرستش و نیایشی جز برای او و به بارگاه او سزاوار نیست. آنکه هیچ نیازی به احدی از بندگان و بندگی شان ندارد. آری معبودی که خالق و آفریدگار مطلق و پروردگار و مدبر این جهان هستی است. پس از آنجایی که او جهان و جهانیان را آفریده و زینت وجود و جمال به آنان بخشیده، تنها ذات یکتا و یگانه که شایسته و مستحق هرگونه پرستش است، اوست. و غیر او همه بنده و مخلوق و محتاج رحمت اویند، حتی فرشتگان و پیامبران و رسولان و اولیای راستینش. پس درود و رحمت بیکران به تمام نیکان بویژه سرور و سالار پیامبران و رسولان محمد مصطفی ﷺ که پیام آور توحید و یکتا پرستی بود و به حق که توانست با دعوت و جهاد و مجاهدت و پشتکار، تمامی مظاهر شرک و بت پرستی را از جزیره العرب نابود گرداند، و پیام توحید و یکتا پرستی را به سراسر جهان برساند، براستی که او یک معلم و الگوی کامل برای موحدان و خداپرستان بود، و درود و سلام بی پایان بر یاران و خاندانش باد. آنانکه به او ایمان آوردند و با همه توانشان تا آخرین رمق حیات از شخصیت محبوب آن پیامبر توحید و رحمت و مکتب پر افتخارش دفاع کردند و عاشقانه در راه اسلام جان دادند.

پس خدایا! از تو می خواهیم که با این مکتب توحید و یکتا پرستی که همچون شربتی گواراست کام همه انسان های آزاده را شیرین گردانی.

خدایا! از تو می خواهیم که طعم تلخ توجه به غیر الله و سجده برای غیر خدا و کمک و استعانت خواستن از غیر الله را به ما و سایر انسان های مخلص که در تلاش حق و حقیقت هستند نچشانی.

پس بار الها! معنی ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ را به ما بفهمان، و همه انسان های مؤمن و آزاده را از اسارت و بردگی غیر خود نجات بخش و همه دردهای معنوی ما را با مرهم

توحید و اتباع سنت و عشق به حق و حقیقت مرهم بنه و شفا و تسکین بخش.
خدایا! از تو می‌خواهیم که با قدرت و لطف و رحمت خودت تمام مظاهر شرک را از
جامعه اسلامی نابود گردانی و همه دل‌های مؤمن به خود را فقط به سوی خودت
برگردانی.

خدایا! تو می‌دانی که بسیاری از بندگان مؤمنت که مخلصانه به تو ایمان آورده‌اند
امروز ناخواسته به بارگاه غیر تو دعوت می‌شوند و ندانسته آنچه باید از تو بخواهند از
بندگان عاجزت می‌طلبند، خدایا دل‌های آنان را بسوی خود برگردان و همه حاجت‌ها و
نیازهای آنان را بر آورده کن.

معبود! چه بسیارند بندگان که راه راست را اشتباه گرفته‌اند و به گمان اینکه تو را
راضی می‌کنند در این و آن را می‌زنند تا اینکه آن‌ها برای رسیدن به تو واسطه شوند
خدایا! قلب‌های این مؤمنان و بندگان مخلصت را به سوی خودت برگردان و دل‌هایشان
را مطمئن کن تا باور کنند که برای رسیدن به تو به واسطه‌ها و وسیله‌های اختراعی نیازی
ندارند.

بار الها! تو می‌دانی که بازار نامه پرانی به مزار دوستان گرم است و هر روز صدها
هزار و شاید میلیون‌ها نامه کتبی به مرقد‌های اولیاء و دوستان در سراسر جهان واصل
می‌شود که هر کدام آن حاوی پیامی مخصوص است.

خداوند! عاجزانه از تو مسئلت داریم که از محبت خود بر دل‌های رنج دیده آنان
مرهم توحید و اخلاص و از محبت پیامبرت ﷺ مرهم اتباع و پیروی بگذاری و دل‌های
همه آنان را به سوی خود برگردانی و حاجت همه آن‌ها را بر آورده کنی.

پروردگارا! از میان حاجت خواهان چه بسیارند که درد دل‌شان را با پیامبران و امامان و
اهل بیت و اولیاء و دوستان عنوان می‌کنند و چنان با سوز و گداز می‌نویسند و می‌نالند
که اگر آن گریه و ناله و آن همه درد را به سوی تو متوجه می‌کردند حتماً نیازهای آنان را
بر می‌آوردی.

پس خدایا! دل‌های همه آنان را متوجه خود گردان و نیازهایشان را برآورده کن.
 بارالها! تو می‌دانی که از میان این بندگان بعضی فرزند و بعضی همسر و بعضی مال
 و بعضی سلامتی و بعضی رسیدن به مرادهای مختلف را می‌طلبند شاید هم آن‌ها
 نمی‌دانند که همه این خواسته‌ها جز در بارگاه خودت برآورده نمی‌شود، پس خدایا
 دل‌هایشان را نرم کن و به آن‌ها بفهمان که جز درگاه رحمت تو هیچ راه دیگری وجود
 ندارد، تا شاید به سوی تو باز آیند.

پروردگارا! بعضی‌ها شاید هم از روی محبت با دروغ پردازی و صحنه سازی چنین
 وانمود می‌کنند که گویا فلان کور در فلان زیارت بینا شد یا قفل مرادش باز شد، خدایا ما
 می‌دانیم که این‌ها دروغ می‌گویند چون اگر چنین چیزهایی حقیقت می‌داشت حتماً در
 حرمین شریفین و در کنار مرقد مطهر پیامبرت صلی الله علیه و آله و قبور صحابهٔ اخیار و اهل بیت اطهار
 علیهم السلام ظاهر می‌شد. چون باور کردنی نیست که امام و امامزاده مستجاب الدعوه‌تر
 از صاحب رسالت صلی الله علیه و آله باشد. پس، خدایا به این بندگان مخلصیت بصیرت عنایت کن و
 چشم دل‌شان را باز گردان.

خدایا! چه بسیارند کسانی که پس از سال‌ها انتظار و تحمل و رنج و مشقت بالآخره به
 توفیق تو توانستند به زیارت حرمین شریفین مشرف شوند اما با کمال تأسف اینجا که
 رسیدند مقصودشان عوض شد و تمام تلاش و زحماتشان متوجه بقیع گردید. خدایا
 دل‌هایشان را نرم کن و آنان را از حقیقت این سفر محروم نگردان.

خدایا! بسیارند آن‌هایی که رسیدن به تو را مقصود خود می‌دانند و راه رسیدن را هم
 درست انتخاب می‌کنند اما متأسفانه کم نیستند کسانی که با اینکه مقصودشان درست است
 اما راه رسیدن را اشتباه می‌گیرند، پس خدایا! به این راه گم‌کردگان، بصیرت عنایت بفرما
 تا اینکه هر چه زودتر به مقصود برسند.

خدایا! برای تو دشوار نیست تو که می‌توانی در یک لحظه دل این سالکان غافل را به
 سوی خود برگردانی پس بیا و چنین کن و این همه حقایق! کاذب را از جلو چشمان

آنان معدوم گردان و چشمان اشک آلودشان را به نور معرفت خود منور گردان. خدایا! چه بسیارند کسانی که در این میان شیفته و دل‌باخته وصال تواند، نماز می‌خوانند، دعا می‌کنند، اشک می‌ریزند، و اخلاص می‌ورزند. اما از دست شیاطین انس و جن در امان نیستند و با همه تلاش و کوششی که دارند به مقصود نمی‌رسند. خدایا این شیطان‌های جن و انس را مهار کن و شر آن‌ها را از سر بندگان مؤمن و مخلصت کوتاه گردان، خدایا! هدایت‌شان کن و آنان را وسیله خیر برای دیگران قرار ده.

پروردگارا! تو را گواه می‌گیریم و یکصدا و یکدل با سایر مؤمنان و مخلصان درگاهت بیزاری خود را از اینهمه ادا بازی و حقه بازی به نام دین اعلام می‌کنیم. زیرا با لطف و کرم و احسان تو اینک به یقین می‌دانیم که این مظلوم‌نمایی‌ها، و نقالی‌ها و مداحی‌ها هیچ جایگاهی در دین ندارند، اگر جزو دین بودند باید پیامبران و پیروان راستین آنان اعم از صحابه اخیار و اهل بیت اطهارش انجام می‌دادند، انجام ندادن آنان بزرگ‌ترین دلیل است که همه این‌ها، اعمال بی‌سند و بی‌ریشه است که عده از پیش خودشان اختراع کرده‌اند. گر چه نیت‌شان خوب بوده باشد. پس خدایا! از تو می‌خواهیم که زشتی این اعمال به نام دین را برای همه روشن و آشکار گردانی و کام ما را با لذت و حلاوت اتباع و پیروی از رسول گرامی ﷺ و صحابه اخیار و اهل بیت اطهارش شیرین کنی.

پروردگارا! دل‌ها و عقل‌های همه انسان‌ها در کنترل توست، چرا بسیاری از این‌ها درک نمی‌کنند و مسائل به این سادگی را نمی‌فهمند؟ مگر قابل فهم نیست که کبوترها و گنجشک‌های همه جای دنیا از جمله مدینه و بقیع هم دانه دانه گندم می‌خورند و نه کیسه کیسه. پس چرا بعضی اصرار دارند که حتما قبور ائمه اهل بیت و قبر ام البنین را پر از گندم کنند.

پروردگارا! بعضی بندگان مخلصت از روی جهالت و سادگی قبرستان را مسجد قرار داده‌اند، بخصوص در قبرستان بقیع، سعی می‌کنند که به هر نحوی شده در آنجا دو رکعت نماز بخوانند. الهی! تو می‌دانی که این عمل مخالف سنت پیامبر ﷺ و صحابه و اهل بیت

است، پس دل‌های آنان را از این عمل نامشروع بر گردان.

بار الها! ما می‌دانیم این همه صحنه سازی و سر و صدا در کنار قبرستان بقیع نه تنها روح شهدای بقیع و صحابه و اهل بیت را آرام نمی‌کند و به آن‌ها نفعی نمی‌رساند بلکه آنان را می‌آزارد، پس خدایا! تو خودت این بندگان مخلصت را بفهمان و دل‌هایشان را به سوی مسجد و نماز و دعا در مسجد و تلاوت قرآن برگردان.

خدایا! تو می‌دانی که بعضی از مسلمانان به ظاهر عالم که شاید مخلص هم باشند و تعدادی هم از آنان حرف شنوی دارند، در حرم پیامبر ﷺ و در بقیع اعمالی انجام می‌دهند، که برای یک مسلمان باعث شرمندگی است مثلاً پیشانی بر روی قبر مالیدن و در و دیوار را بوسیدن و بر آن سر و صورت مالیدن نه تنها از یک عالم و تحصیل کرده که از یک مسلمان بی‌سواد هم بعید است، خدایا این بندگان را بفهمان و دل‌هایشان را با نور ایمان منور کن.

پروردگارا! بعضی‌ها می‌دانند، که فلان کار غلط است، اما لج بازی آنان را وادار به این کار خلاف می‌کند، پس خدایا! به همهٔ مسلمین اخلاص عنایت فرما و دل‌هایشان را به هم نزدیک گردان.

بار الها! ما جامعهٔ اسلامی امروز از مرض تفرقه و اختلاف به شدت رنج می‌بریم و بعضی بندگان در عمیق‌تر کردن این تفرقه و اختلاف نقش بارز دارند، خدایا! از تو می‌خواهیم که دل‌های همه ما را به سوی وحدت و یکدلی سوق دهی و چنانکه رضایت و خوشنودی تو در آن است دل‌های مسلمین را از هر طائفه و مذهب و رنگ و قوم و ملتی که باشند به هم نزدیک و حقیقت را نصب العین همه‌شان بگردانی.

پروردگارا! امروز همهٔ بدبختی‌های جهان اسلام بر اثر کینه‌ها و عداوت‌ها و دشمنی‌های غیر موجه مسلمانان با یکدیگر است و دشمنان اسلام از این فرصت استفاده می‌کنند، پس خدایا! دل‌های همه مؤمنان را با هم پیوند اخوت و برادری و محبت بده و دست دشمنان مکار را از سر مسلمانان کوتاه بگردان.

خدایا! آنچه حق و حقیقت است را برای همه آشکار کن و آن را همچون شربتی گوارا آرزوی همگان بگردان.

خدایا! تو را به ذات قدسی و اسماء و صفات متعالیات سوگند که هرکس تخم اختلاف در میان امت می‌پاشد یا اختلافات را عمیق‌تر می‌کند هدایتش کن اگر قابل هدایت نیست خوار و ذلیلش گردان.

آمین